

The Manifestation of Supernatural Beliefs in the Handwoven Works of Baloch Nomads

Sahel Erfanmanesh^{*}, Abolghasem Nemat Sharbabaki^{}**

Hasan Azizi^{*}**

Abstract

The objects like 'talismans and amulets' (charms) have always been used by humans from the past to the present to remove misfortunes and distress conditions. The Baloch are among those ethnic groups of Iran that still use these talismans. They used symbolic objects and patterns in their daily work to protect themselves against calamities and stay away from misfortunes in life. Considering that handwoven works are among their most important applied and everyday artworks, and given they use many figures of these charms in these works, to know and think about that people, it is necessary to research on these handwoven, this research aims to answer the inspiration of supernatural beliefs in these handwoven works. Therefore, according to the purpose of the research, which is to review the manifestation and representation of supernatural beliefs in the material culture of Baloch nomads by focusing on handwoven artworks, and by using a descriptive-analytical method, library sources, and field observations to collect data, it has been found that the beliefs of this nations have been manifested in their handwoven in forms of plants, geometric, animals and human motifs in daily applied objects. It has also been observed that the frequency of motifs inspired by applied objects is more than

* Assistant Professor of Handicrafts Department, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran
(Corresponding Author), erfanf_61@arts.usb.ac.ir

** Assistant Professor of Carpet Department, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran,
Shahrbabaki@arts.usb.ac.ir

*** Lecture of Carpet Department, Hazrat-e Ma'soumeh University, Qom. Iran, Azizihasan102@gmail.com

Date received: 2023/01/01, Date of acceptance: 2023/05/04



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

other elements. Moreover, the most frequent object was related to the concept of the evil eye (*Nazar*). It seems that from the past until the present, removing the evil forces, which are mostly pointed to other eyes is of great importance among these people, compared to other misfortunes.

Keywords: Supernatural Beliefs, Handwoven Works, Baloch Nomads, Evil Eye, Patterns/Motifs.

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های عشایر بلوچ

ساحل عرفان‌منش*

ابوالقاسم نعمت شهربابکی**، حسن عزیزی***

چکیده

طلسم و تعویذ از جمله اشیائی است که بشر از گذشته تاکنون برای رفع بلا و مصائب از آنها استفاده کرده است. از جمله اقوامی که استفاده از طلسم در بین آنها امروزه نیز رواج دارد، عشایر بلوچ هستند. آنان برای دفع بلاها و دوری نیروهای بد از زندگی، از اشیاء و نقوش نمادین در تولیدات روزمره استفاده می‌کنند. از آنجا که دستبافته‌ها از مهم‌ترین هنرهای کاربردی و روزمره آنان است و تصویر بسیاری از طلسم و تعویذها، در این هنر نیز استفاده می‌شود، برای شناخت و اندیشه آن قوم پژوهش بر روی این دستبافته‌ها ضروری است. این پژوهش به دنبال پاسخ به تأثیر باورهای ماوراءالطبیعی بر روی دستبافته‌ها است، لذا با توجه به هدف پژوهش که بررسی حضور و بروز باورهای ماوراءالطبیعی در فرهنگ مادی عشایر بلوچ با تأکید بر دستبافته‌ها است، در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع به روش کتابخانه‌ای و میدانی این نتیجه حاصل شد که اعتقادات و باورهای این قوم در دستبافته‌های آنان در قالب نقوش گیاهی، هندسی، حیوانی، انسانی و اشیاء کاربردی تجلی یافته است. همچنین فراوانی نقوشی برگرفته از اشیاء کاربردی، بیش از دیگر عناصر بود. به‌علاوه فراوان‌ترین و گسترده‌ترین مفهوم در میان مفاهیم، چشم زخم بود. به نظر می‌رسد از

* استادیار، گروه صنایع دستی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)،

erfanr_61@arts.usb.ac.ir

** استادیار، گروه فرش، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، Shahrabaki@arts.usb.ac.ir

*** مربی گروه فرش، دانشگاه حضرت معصومه قم، قم، ایران، Azizihasan102@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۴



گذشته تاکنون دفع نیروهای شر که مهم‌ترین آن نگاه دیگری است، در میان این قوم نیز نسبت به دیگر بلاها از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

کلیدواژه‌ها: باور ماوراءالطبیعی، دستبافته‌ها، عشایر بلوچ، چشم‌زخم، نقش‌مایه.

۱. مقدمه

تقسیم جهان به دو قطب و مسئله خیر و شر از گذشته تاکنون از جمله مسائل بنیادی بوده است. بنابر نظر فریزر (۱۳۸۶: ۵۹۷) بشر همواره در تلاش بود تا از طریق راه‌هایی چون قربانی کردن، دعا و نیایش و بستن آنها بر بازو شر را از زندگی خویش دور کند و اعتقاد داشت اشیاء می‌توانند در تماس با انسان او را دارای قدرت کرده یا ضعیفی را به او وارد کنند (Elliad&Adams 1987:243)، لذا برای محافظت از خود یا دفع شر به چنین اشیائی روی آورد. این مسئله که به فیتیشیزم (Fetishism) یا شیء‌باوری شناخته می‌شود، نقشی ملموس در باور مردم عامه در بسیاری از کشورها از جمله ایران داشته است و می‌توان گفت از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نحوه تفکر در جامعه کهن ایران بوده است که هنوز می‌توان اثرات آن را در میان بسیاری از قبایل، از جمله عشایر مشاهده کرد (صابری افتخاری ۱۳۹۲: ۸۸). این باور در ایران در برگیرنده اشیاء تعویذ و طلسم است که ارجاعی به اساطیر و مذهب نیز دارد. بنابراین طلسم، تعویذ، حرز و غیره که امروزه بر اساس دیدگاه‌های علمی خرافه محسوب می‌شوند زمانی جزئی از اعتقادات و باورهای واقعی یک قوم شناخته می‌شدند حتی می‌توان آن را جزء نخستین ظواهر فرهنگی بشر به حساب آورد (تناولی ۱۳۸۷: ۱۱). مردم کهن به نیروی درون این اشیاء به‌عنوان مبارزه، دفع نیروی شر و گاهی جذب نیروی خیر اعتقاد داشتند. آنها اشیاء و دستبافته‌های خویش را همانند دیگر عناصر طبیعی دارای روح می‌دانستند و معتقد بودند این اشیاء توانایی آن را دارند که اثر بد یا خوب بر وی بگذارند (بویس ۱۳۷۰: ۸۰-۸۲). این اعتقادات با پیشرفت علم و تکنولوژی در جوامع امروزه نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شده است. با این وجود همان‌طور که بیان شد امروزه نیز در بسیاری از جوامع و اقوام بومی ریشه‌هایی از این باورها و اعتقادات وجود دارد، از جمله این اقوام عشایر هستند که تأکید این پژوهش بر عشایر بلوچ است. آنها از جمله اقوامی هستند که به دلیل شکل زندگی و عدم یکجانشینی، در ابتدا باورهای خویش را حفظ کرده‌اند. برخی از اقوام بلوچ برای حیواناتی چون مار که حیوانی گزنده است یا ماهی و دیگر جانوران قدرتی نمادین قائلند و معتقدند حضور آنها در زندگی به رونق و باروری کمک می‌کند. لذا نقش آن را نیز دارای چنین قدرتی می‌دانند و از آن در حکم

طلسم یا تعویذ بر روی بسیاری از هنرها استفاده می‌کنند. مردم عشایر بلوچ برای اشکال هندسی نیز قدرت ویژه‌ای قائل هستند، لذا اعتقاد دارند برای آنکه تعویذ قدرت پشتمانی یا حمایت‌کنندگی داشته باشد باید شکل بخصوصی داشته تا بتواند بهترین تأثیر را دارا باشد. برخی درختان چون اسپند که از گذشته تا کنون دود کردن آن قدرت دفع شر را داشته در میان این اقوام نیز اهمیت بسیاری دارد؛ به طوری که از دانه‌های آن نیز اشیائی طلسم‌گونه برای دفع شر می‌سازند، همچنین برخی درختان و گیاهان چون اسپند و نخل در زندگی روزمره و مراسم ویژه، نقشی طلسم‌گون برای آنها پیدا می‌کند. با توجه به آنکه اشیاء، اشکال، گیاه و حیوان برای این مردمان قدرتی نمادین دارد که می‌تواند آنان را از بسیاری بالاها و مصیبت‌ها در امان بدارد، از تصویر آنها نیز در بسیاری از هنرها نیز استفاده می‌کردند چرا که تصویر آن را نیز دارای قدرت می‌دانستند. از آنجا که این منطقه یکی از قدیمی‌ترین کانون‌ها و مناطق بافندگی است، با توجه به اهمیت و قدمت دستبافته‌ها و استفاده از نقوش طلسم و تعویذ بر روی آنها آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود تبیین نقش باورهای ماوراءالطبیعی بر دستبافته‌های عشایر بلوچ است. زیرا بررسی هنر آنها به شناخت بهتر فرهنگ و تمدن آن منطقه کمک می‌کند. با بررسی دستبافته‌ها که از جمله هنرهای بومی آن منطقه است علاوه بر آگاهی از هنر یک قوم، می‌توان به باورها و اندیشه‌های رایج در آنجا نیز پی برد. لذا از آنجا که در کمتر پژوهشی به معنا و مضمون باورهای ماوراءالطبیعی در دستبافته‌های بلوچ پرداخته شده است، این پژوهش به نظر ضروری می‌رسد. در این پژوهش برای دریافت پاسخی مناسب به بررسی نمادها و نقوش طلسم در دستبافته‌ها پرداخته که از مجموع این مباحث به باورهای ماوراءالطبیعی و تفکرات رایج در میان این قوم بتوان دست یافت.

۱.۱ روش پژوهش

این پژوهش با تحلیل تاریخی جایگاه طلسم و نقوش منسوب به آن در باور و زندگی روزانه مردمان عشایر استان سیستان و بلوچستان، مناطق سیستان و سرحد، سعی بر آن دارد تا به رابطه این نقوش در دستبافته‌ها و معنای نمادین آنها دست یابد. لذا جامعه آماری پژوهش حاضر دستبافته‌های قوم عشایر بلوچ است. انتخاب نمونه‌ها غیر احتمالی و بر اساس هدف تحقیق است. دستبافته‌هایی انتخاب شدند که نقوش آن بیانگر باورهای ماوراءالطبیعی و نقش طلسم، تعویذ و باورهای مردمان عشایر سیستان و بلوچستان بود. با توجه به نقش مایه‌های رایج

در دست‌بافته‌ها، نقوش به پنج دسته تقسیم شد و سعی بر آن گردید از هر گروه یک نمونه معرفی گردد و تحلیل بر اساس فراوانی معانی و نقوش رایج صورت پذیرد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

درباره باورهای ماوراءالطبیعی در زندگی انسان‌ها و تأثیر طلسم و تعویذ در زندگی بشر تحقیقات زیادی انجام شده است. ولیکن از آنجا که هدف مقاله نقش باورهای ماوراءالطبیعی و استفاده از طلسم و تعویذ و غیره در زندگی روزانه با تأکید بر دستبافته‌ها است، به مقالاتی اشاره می‌گردد که به نقش طلسم و تعویذ در دستبافته‌ها پرداخته‌اند: نعمت شهربابکی و میرنژاد (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی نقوش آویزبافته‌های طلسمی و تعویذی در سیستان و بلوچستان» به معرفی آویزهای رایج در منطقه و نقش طلسمی آویزها پرداخته‌اند و آویزهایی چون پُلُک (Pollok)، یک‌تلی (Yektali)، گلوبند چهارپایان را معرفی کرده و این آویزها را پاسخی به هراس و ترس‌های مردم آن منطقه دانسته‌اند. یعقوب‌زاده و خزائی (۱۳۹۸)، در مقاله «نقش مایه‌های طلسم، تعویذ و حرز، مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری» معانی نمادین را در تعویذهای رایج در منطقه استخراج کرده و طبقه‌بندی کاملی از آنها ارائه داده‌اند. در این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که نقوش موجود در دستبافته‌ها در عین سادگی بیان‌گر معانی عمیق و نمادین است. همچنین باورهای این قوم در نقوش دستبافته‌ها متجلی شده است. نعمت شهربابکی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه «بررسی طلسم و تعویذ و تأثیر آن در نقش مایه‌های فرش‌های سیستان و بلوچستان» به بررسی دست‌بافته‌های این منطقه و نقش طلسمی آویزها پرداخته است. با توجه به تحقیقات مشخص می‌گردد که رابطه‌ای میان بسیاری از اقوام عشایر و نقوش طلسم و تعویذ وجود دارد؛ گویا در میان اقوام عشایر این معنا جایگاه ویژه‌ای دارد. درباره قوم عشایر سیستان و بلوچستان نیز، رابطه میان برخی دستبافته‌ها از جمله آویزها، نقش پولک، صدف و کاربرد طلسمی آن آویزها در تحقیقات بررسی شده است. یعقوب‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله «نقش مایه طلسم محافظ بر فرش ترکمن»، به طبقه‌بندی نقش مایه‌های طلسم در فرش ترکمن پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند قدرت اندیشه‌های آئینی و تأثیر آن در نقوشی که به دلیل حالت طلسم‌گون بودن آنها، فرمی انتزاعی و نمادین پیدا کرده‌اند به مراتب بیش از دیگر نقوش است. جلیلیان و احمدپناه (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر باورهای دینی و اسطوره‌ای بر فرش‌های روستایی باف همدان»، نقوش حیوانی فرش همدان را در سه گروه چهارپایان، پرندگان و آبزیان طبقه‌بندی کرده و معنای نهفته در نقوش را

برگرفته از عقاید دینی و اسطوره‌ای می‌داند که در زندگی مردم نهفته بوده است. لذا نقوش بیش‌تر بیان‌گر برکت و باروری بوده است ولیکن در کمتر تحقیقی به نقش دست‌بافته‌هایی چون قالی و گلیم پرداخته شده است. نعمت شهربابکی نیز بیشتر از آنکه تحلیل جامع از نقش‌مایه‌ها ارائه کند، نقوش را معرفی و توصیف کرده است. لذا در تحقیقات انجام گرفته به تبیین نقش طلسم و باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های بلوچ پرداخته نشده است. بنابراین خلأ پژوهش در این زمینه احساس می‌شود و با توجه به آنکه پژوهش حاضر به نقش باورهای ماوراءالطبیعی در زندگی روزانه عشایر بلوچ و ارتباط آن با نقوش رایج در دست‌بافته‌ها می‌پردازد، این پژوهش برای شناخت باورها و فرهنگ یک قوم به‌نظر ضروری می‌رسد.

۲. پیشینه طلسم، تعویذ در تولیدات بومی سیستان و بلوچستان

از جمله باورهای ماورائی، که سابقه دیرینه‌ای دارد، باور به قدرت داشتن اشیاء است. از این اشیاء به‌عنوان طلسم، تعویذ، حرز و .. یاد می‌شود. همچنین برخی از محققین معتقدند در جوامعی که مردم رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و در جایی که می‌توانند احساساتی چون خشم، حسادت، ترس را نسبت به دیگری نشان دهند، طلسم رشد می‌کند. اصولاً طلسم را وی در ارتباط با وحشت از سوءنیت دیگران می‌داند (خوارزمی و توکلی ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۳). به این دلیل است که مهره‌های نظر قربانی، جایگاه ویژه‌ای در ایران داشته است، زیرا از جمله عوامل کاربرد طلسم و تعویذ در ارتباط به باور به چشم‌زخم است. از کهن‌ترین باور و اعتقادات بشر، و شاید رایج‌ترین و گسترده‌ترین اعتقاد فراعلمی و ماوراءالطبیعی باور به چشم‌زخم است که امروزه نیز اثرات آن در ایران باقی مانده است. رضی (۱۳۸۱: ۹۸۵)، اذعان دارد: تنگ نظری، شورچشمی و بد نظری که اکنون به‌عنوان صفت برای اشخاص به‌کار می‌رود، در گذشته به‌عنوان بیماری اهریمنی شناخته می‌شد که افراد دارای چنین ویژگی از جامعه طرد شده و موردنفرت واقع می‌شدند.

از جمله مناطقی که این باورهای ماوراءالطبیعی و جادویی در میان آنها دیده می‌شود، سیستان و بلوچستان است. سیستان و بلوچستان با وجود مناطق باستانی چون شهرسوخته، دشت بمپور و تپه چاه‌حسینی قدمتی چند هزار ساله دارد (سید سجادی ۱۳۸۸: ۲۰). علاوه بر قدمت باستانی، موقعیت شاخص سیستان، در تاریخ مذاهب باستانی ایران به‌ویژه به زرتشتی‌گری، به‌دلیل وجود رودخانه هیرمند و دریاچه هامون از جمله علل شاخص و برجسته‌بودن این منطقه است. «این ناحیه محل وقوع حوادث و اتفاقات مهمی همچون

شکل‌گیری نخستین اسطوره‌های ایرانی و یا ظهور نخستین پهلوانان ایرانی است که سهم بزرگی در نشو و نماي فرهنگ کهن ایرانی و اندیشهٔ ایرانشهری داشته‌اند» (همان: ۲۸۰). تحقیقات اخیر حضور پیکرک‌های سفالین در منطقهٔ شهرسوخته را تحت تأثیراتی از جمله: تشریفات آیینی مانند جشن‌ها، تشریفات مذهبی و طلسم و جادو می‌داند (Stinson 2006: 2) (تصاویر ۱ و ۲). ساکنین شهرسوخته باور و اعتقادی داشتند که بر طبق آن نیروهای الهی کنترل و مهار منابع طبیعی را در خدمت داشته‌اند. این نیروها جایگاهی برجسته در باورهای ماوراءالطبیعی مردمان شهرسوخته داشته است (شیرازی ۱۳۸۸: ۲۹۵-۲۹۱). همچنین نقوش سفال‌های شهر سوخته را نیز برای یاری گرفتن از طبیعت و محافظت از نیروهای اهریمنی می‌دانند، که می‌تواند در حکم طلسم نیز باشد (خضایی و مرآتی ۱۳۹۰: ۸۸).



تصویر ۱. سفال مکشوفه از شهر سوخته سیستان (نگارندگان)



تصویر ۲. انواع پیکرک‌های مکشوفه از شهر سوخته (سید سجادی ۱۳۸۸: ۲۸۷)

همان‌طور که بیان شد، باورهای جادویی یا باور به قدرت‌های ماوراءالطبیعی از میان مردم سیستان و بلوچستان از دیرباز در اشیاء و ابزارهای مورد استفاده در زندگی روزانه بازتاب داشته است. باتوجه به آن که یکی از کهن‌ترین مراکز بافندگی در ایران، سیستان و بلوچستان است (سید سجادی، ۱۳۸۶، ۵۲) و به ویژه شمار بزرگی از تجسم‌های بصری این باور را در نقوشی می‌توان باز یافت که در تولید دستبافته‌های عشایر بلوچ جلوه یافته‌اند، بنابراین برای شناخت اندیشه این مردمان و نقش طلسم و تعویذ در زندگی آنان، بررسی این دستبافته‌ها مؤثر است.

۳. طبقه‌بندی طرح و نقش در دست‌بافته‌های عشایر بلوچ

همان‌اندازه که از گذشته تاکنون باورهای ماوراءالطبیعه و استفاده از طلسم و تعویذ در زندگی مردم سیستان و بلوچستان کاربرد داشته، تصاویر نیز به همان اندازه در این منطقه دارای قدرت صیانت و حفاظت بوده است. بنابراین آنان برای حفاظت خود و برای بیان بیم و امیدهای خویش تصاویری نمادین بر دستبافته و دیگر اشیاء کاربردی در زندگی روزانه استفاده کردند. برای آنکه بتوان به چگونگی استفاده از نقش‌مایه‌های طلسم و تعویذ بر روی دستبافته‌ها پرداخت نیاز به شناخت نقوش و استخراج معانی آنهاست. با توجه به گستردگی نقوش و برای رسیدن به نتیجه مطلوب، رایج‌ترین و پرکاربردترین نقوش بررسی و تحلیل شده است. برای رسیدن به این مهم، نقوش به شش دسته؛ نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی و اشیاء روزمره و کاربردی تقسیم شد (جدول ۱).

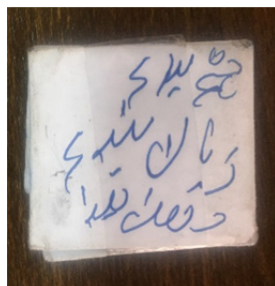
جدول ۱. طبقه‌بندی طرح و نقش در دستبافته‌های عشایر (نگارندگان)

شکل نقوش	انواع نقش‌مایه	
مثلث	نقوش هندسی	۱
لوزی		
اسپند	نقوش گیاهی	۲
ماهی	نقوش حیوانی	۳
مار		
چشم	نقوش انسانی	۴
دست		

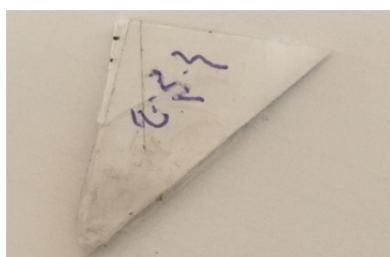
دودنی	نقش مایه‌های برگرفته از اشیاء کاربردی و روزمره	۵
شانه		
گوشواره		
بازوبند		

۱.۳ انواع نقش مایه‌های هندسی

نقش مایه‌های هندسی از گذشته تاکنون در بیشتر هنرها کاربرد دارد، با این وجود برخی از این نقوش و تکرار آنها بیانگر معانی مختلفی است. در بیشتر دستبافته‌های بلوچ اشکال مثلث و لوزی کاربرد بیشتری نسبت به دیگر اشکال دارد. رواج این اشکال می‌تواند برگرفته از تعویذ یا به زبان بلوچ‌ها تائیت‌های (Taiet) عشایر بلوچ باشد زیرا در میان این مردمان، نقوش مثلث و مربع کاربرد زیادی دارد (تصاویر ۴ و ۵). تائیت کاغذی مملو از نوشته‌های رمزگونه به حروف ابجد است که به اشکال مربع، مثلث یا لوزی پیچیده می‌شود و شکل مثلثی تائیت در میان این قوم رواج بیشتری داشته است (لعل بی‌بی، تابستان ۱۴۰۱، سراوان، اسپنج).



تصویر ۴. تائیت مربعی شکل (نگارندگان)



تصویر ۵. تائیت مثلثی شکل (نگارندگان)

۱.۱.۳ مثلث

از جمله رایج‌ترین نقوش استفاده شده در دستبافته‌های منطقه سیستان و بلوچستان، مثلث است (جدول ۲). این نقش مایه علاوه بر آنکه بر روی دستبافته‌ها به وفور استفاده می‌گردد، بر روی سفال‌های باستانی این منطقه نیز بسیار دیده شده است (سید سجادی، ۱۳۸۶: ۵۴۶). مثلث می‌تواند معانی گوناگونی چون بارش باران، مسخرساختن نیروهای طبیعی، رونق مجدد کشاورزی داشته باشد. حضوری اذعان دارد هر زمان کشاورزی رونق یافت، قالیبافی ضعیف گشته (حضوری، ۱۳۷۱: ۸) و یا به نوعی در سال‌هایی که زمین‌ها خشک می‌شدند، توجه به هنرهای صناعی و قالیبافی افزایش می‌یافت. بنابراین، هنرمندان این صنعت (بافندگی) به تبعیت از جامعه به دنبال راهی برای خروج از این شرایط بودند؛ و با استفاده از نقوشی که بیانگر باروری و حاصلخیزی بود سعی بر خروج از این بحران داشتند. همچنین نقوش استفاده شده بر قالی‌های سیستان که متشکل از زنجیرهای مثلث است - که یکی رو به بالا و یکی رو به پایین قرار گرفته - را بیان‌کننده نوعی تعویذ و طلسم، برای باروری و حاصلخیزی تلقی کرده‌اند (موسوی حاجی و پیری ۱۳۸۸: ۷۷). پرهام (۱۳۷۸: ۴۳) نیز سه‌گوش‌های پیوسته در دستبافته‌ها را نشانی از کوهسار دیده که به مانند منبع و نگهدارنده آب‌های زمین است. همچنین «سه‌گوش‌های پیوسته شطرنجی که از تلفیق دو نماد آب فراهم می‌آید در زمره نمادهای مضاعف است که نیروی سحر نگاره را دو چندان می‌سازد».

باتوجه به آن که در میان این قوم تائیت‌های مثلثی شکل برای دفع ارواح پلید و چشم‌بد است، عقیده دیگر می‌تواند مبتنی بر این باشد که مثلث با توجه به شکل تیزی که دارد، حالت تعرض‌گونه و تهاجمی پیدا می‌کند و به نظر می‌رسد با توجه به تائیت‌ها در باور بلوچ این نقش بیشتر بیانگر دوری از ارواح خبیثه و گریز از دشمنان است. وسترمارک (۱۳۹۹: ۸۴) نیز اذعان دارد نقش چشم بیشتر به شکل مثلث ارائه شده است. گاه یک چشم کوچک در بیرون هر رأس مثلث یا به شکل‌های دیگر برای چشم زخم به کار برده می‌شد. البته این نقش با توجه به قدمت آن و جایگاه آن در دستبافته‌ها می‌تواند بیانگر باروری نیز باشد؛ ولیکن می‌توان به دیده تردید به آن نگریست و به جایگاه نقش در دستبافته و کاربرد روزمره آن نیز توجه کرد.


جدول ۲. نقش مثلث در حاشیه قالی سیستان (نگارندگان)

نقش مایه	تصویری از نقش مورد نظر در دستبافته	معنا و مفهوم نقش
مثلث	 <p>فرش عشایر سیستان از مجموعه شخصی (نگارندگان)</p>	<p>باروری و حاصلخیزی؛ دفع نیروهای شر</p>

۲.۱.۳ لوزی

از جمله نقشمایه‌های پرکاربرد دیگر لوزی و مربع است، این نقوش علاوه بر دستبافته‌ها در طلسم و تعاویذ نیز استفاده بسیار داشته است. لوزی می‌تواند نماد چشمی باشد که به همه جا می‌نگرد و یا نماد پیروزی باشد (هال، ۱۳۸۳: ۱۶). باور دیگر بر آن است نقش دو لوزی قفل‌شده در یکدیگر در طلسم و تعاویذ، نقش دورکنندگی ارواح خبیثه و دورنگاه داشتن چشم بد را داشته است (شیرانی، ۱۳۸۸: ۲۷). البته وسترمارک (۱۳۹۹: ۸۴) دو مثلث متقاطع همراه با پیکره‌ای گرد و کوچک در مرکز آن را نمادی از چشم می‌داند؛ ولیکن به‌صورت کلی با توجه به شکل تعاویذ رایج در میان قوم بلوچ می‌توان استفاده این نقوش توسط این قوم را برای دوری از ارواح شرور تأکید کرد. با این وجود در اینکه لوزی و نقوش تکرار شونده همیشه حالت تعویذی داشته می‌توان تردید کرد (جدول ۳).

جدول ۳. استفاده از نقش لوزی در گلیم بلوچی (نگارندگان)

نقش مایه	تصویری از نقش مورد نظر در دستبافته	معنا و مفهوم نقش
لوزی	 <p>فرش منطقه سرحد، مجموعه شخصی (نگارندگان)</p>	<p>دورکننده ارواح خبیثه و چشم بد و پیروزی</p>

۲.۳ انواع نقش‌مایه‌های گیاهی

شاخه‌ای از نقش‌مایه‌های دست‌بافته‌ها، نقوش گیاهی است. بر اساس میزان به‌کارگیری نقوش این گروه اسپند جایگاه ویژه‌ای در دست‌بافته‌ها دارد. درخت زندگی و نخل نیز در برخی دست‌بافته‌ها مشاهده می‌شود، لذا با توجه به فراوانی اسپند در دست‌بافته‌ها و جایگاه طلسمی آن در زندگی روزانه به این نقش‌مایه پرداخته می‌شود.

۱.۲.۳ اسپند (اسفند)

از رایج‌ترین نقش‌مایه‌های گیاهی در دست‌بافته‌ها اسپند است و می‌توان آن را از جمله پرکاربردترین گیاهان در طلسم و تعویذ در میان ایرانیان دانست. نام این گیاه خودرو که در زمین‌های کویری می‌روید، از واژه سپنته (Spenta) در اوستا گرفته شده است. معنای آن در زبان پهلوی، افزونیک یعنی مقدس و برکت دهنده است (Reichelt 1911: 270). هنینگ (۱۸۹۱: ۶۰۷) نیز معتقد است در عهد باستان مردمان ایران، اسپند را در زمره گیاهان مقدس در نظر می‌گرفتند و برای آن نیرویی آسمانی متصور بودند.

برای دور کردن چشم بد و به نوعی چشم زخم این گیاه را از گذشته تاکنون در آتش ریخته تا دود کند و دود آن را به اطراف می‌پراکنند. کریستی (۱۳۸۴: ۱۹۷) نیز دود را از جمله مواردی می‌داند که حافظ کودک از ارواح خبیث است. اسپند را با آداب خاص و شیوه‌های مختلف برای درمان دردها، بیماری‌ها و چشم زخم استفاده می‌کردند. و از پرکاربردترین آنها خال‌گذاری و اسپندگردانی بوده است. در میان قوم بلوچ نیز امروزه برای دور کردن ارواح خبیث اسفند دود می‌کنند، همچنین برای آنکه کودک از آسیب چشم بد دیگران، شیاطین و اجنه در امان بماند، بر پیشانی وی زاج (Alum) یا اسپند می‌کشند (مصاحبه با شفقی، پاییز ۱۴۰۱، هیرمند) که خال‌گذاری نامیده می‌شود. زیرا باور بر این دارند که چشم شور، همان دانه اسپند است که هنگامی که می‌سوزد، همان بلا بر سر چشم بدنظران و چشم‌تنگان می‌آید. دودکردن اسپند برای هرگونه دفع شر، چشم‌زخم و بیماری از گذشته تاکنون در بیشتر نقاط ایران کاربرد داشته است. لذا استفاده و رواج نقش این گیاه بر روی فرش می‌تواند به دلیل کاربرد و ارزش آن در فرهنگ عامه باشد. بنابراین به دلیل جایگاه این گیاه در بین عوام، بافندگان نیز از این نقش برای چشم‌زخم و دفع نیروهای شر استفاده کرده‌اند. نقش گیاه اسپند که دارای پنج برگ سپید است در جدول ۴ بر حاشیه و متن قالی‌ها مشاهده می‌گردد.

جدول ۴. نحوه استفاده از نقش مایه اسفند در قالیچه‌های منطقه (نگارندگان)

معنا و مفهوم نقش	متن قالیچه	حاشیه قالیچه	نقش اسفند در دستبافته	منطقه
برای دوری از نیروهای شر و چشم زخم			 (حصوری ۱۳۷۱:۱۱۷)	اسفند

۳.۳ انواع نقش مایه‌های حیوانی

سومین شاخه از نقوش، نقش مایه‌های حیوانی است. حیوانات در گذشته جایگاه مهمی در باورهای مردمان داشتند و برخی بیانگر باروری و حاصلخیزی و بعضی بیانگر خشکی و مصیبت شناخته می‌شدند. در نقش مایه‌های حیوانی که کاربرد طلسمی یا تعویذی در میان عشایر بلوچ دارد فراوانی نقوشی چون مار، ماهی و عقرب بیش از دیگر نقوش است که در ذیل شرح داده می‌شود.

۱.۳.۳ مار

اسفندیاری (۱۳۸۴: ۴۷) اشاره دارد در روایات اساطیری مار نماد و نشانه باروری بوده است. هم‌چنین آورده‌اند یکی از صورت‌هایی که پریان در افسانه‌ها به خود می‌گیرند، صورت مار است. این پریان در حالت مار، افسون، ادوات سحر را به قهرمان می‌دهند و بی‌واسطه به وی کمک نکرده و تغییری ایجاد نمی‌کنند (جهازی و آتشی ۱۳۸۱: ۸۰-۸۱). مار از جمله حیواناتی است که گاه در جایگاه طلسم در این منطقه استفاده می‌شود. در صحرای بلوچستان مارهای سمی فراوانی وجود دارد و باعث ترس و دلهره مردم آن منطقه می‌گردد. به همین

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۳۱

جهت است که نقش‌هایی مانند مار، پیچک و کله سیاه مار در این منطقه مشاهده می‌شود (بیهقی، ۱۳۶۵: ۴۶۱). توت‌م سیه‌مار را از جمله توت‌م‌های مهم این قوم می‌دانند که بیانگر ترس و امید، مرگ و زندگی، مردانگی و زنانگی است (رئیزی ۱۴۰۱: ۲۰۶). اهمیت مار به شکل‌های گوناگون در نزد این قوم مشاهده می‌گردد؛ آنها اعتقاد دارند کسی که صاحب فرزند نمی‌شود مار مرده‌ای را کف دست بگیرد صاحب اولاد می‌شود (ریگی ۱۳۹۹: ۳۴). لذا نقش‌مایه مار نیز برای آنان همان اهمیت را داشته است. از آنجا که این اقوام برای تصاویر نیز نیروی زیادی قائل بودند، برای باروری و زایش از این نقش در بسیاری از اشیاء روزمره استفاده می‌کردند (جدول ۵).

جدول ۵. کاربرد نقش مار در قالی

معنا و مفهوم نقش‌مایه	تکرار نقش‌مایه در دستبافته	نقش‌مایه بافته‌شده	شکل طلسمی	شماره
<p>نقش‌مایه مار</p>				۳

۲.۳.۳ ماهی

از جمله نقوش حیوانی پرکاربرد در قالی سیستان و بلوچستان، ماهی است. این نقش در سفال‌های باستانی شهر سوخته نیز استفاده شده و از نقوش پرکاربرد در نقش فرش نیز است. در طرح هراتی یا ماهی درهم در فرش، ماهی از جمله نقش‌مایه‌های اصلی است، که حصوری اذعان دارد ریشه در آیین مهر دارد. «اساس طرح، نقش ماهی و نقش چهره انسانی (مهر) است. در دگرگشتی این طرح در دوره اسلامی دو ماهی به دو یا چهار برگ و چهره انسانی به گل - معمولاً هشت پرگرد - تبدیل می‌شوند» (حصوری ۱۳۸۱: ۴۳-۴۵). لذا با توجه به آیین باستانی

زرتشت در ایران و همچنین با ارجاع به آنکه برخی، منجیان دین زرتشت (سوشیانس‌ها) را از دریاچه کیانسه (هامون) دانسته‌اند، حضور نقش ماهی در این منطقه که ریشه در این آیین داشته باشد بعید به نظر نمی‌رسد. تقدس و اهمیت دریاچه کیانسه و کوه اوشیدا باعث می‌گشت هر ساله زائران زیادی از سراسر ایران‌شهر به سیستان روی آورند. از این رو از طریق راه اصلی خراسان، کرمان و جلگه سند به سوی سیستان می‌شتافتند (بویس ۱۳۷۷: ۳۹۹). بنابراین با توجه به نقش ماهی در اوستا و پیشینه این منطقه، نقش ماهی در این استان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. این نقش همچنین نماد برکت و باران‌خواهی است. نمونه آشکار استفاده از نقش ماهی در طرح سراسری ماهی درهم، توالی و تکرار تولید مثل ماهی را به یاد می‌آورد که نماد باروری و زندگی است (جلیلیان و احمد پناه ۱۳۹۱: ۱۰). فُکر (Fokker) (۱۹۷۳: ۲۶)، تکرار این نقش را بیانگر سلامتی، خوشبختی و تعداد زیاد فرزند، توانایی کار و قانون قبیله می‌داند. با لحاظ آنکه مردمان منطقه سیستان و بلوچستان، دامدار و کشاورز بودند و حضور آب برای آنان از اهمیت زیادی برخوردار بود. نقش ماهی می‌تواند به معیشت و زندگی این مردمان نیز اشاره کند (جدول ۶).

جدول ۶. نقش ماهی استفاده شده در فرش منطقه (نگارندگان)

معنا و مفهوم نقش ماهی	تکرار نقش ماهی در متن فرش منطقه	طرح خطی نقش ماهی	نقش ماهی بافته شده	شکل طلسمی	نقش ماهی
برکت، باروری، زایش و باران‌خواهی و عمر زیاد					ماهی
	فرش عشایر سیستان (نگارندگان)	(نگارندگان)		(تناولی، ۱۳۸۷: ۶۴)	

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۳۳

ماهی علاوه بر زایش بر عمر طولانی نیز تأکید داشته و اعتقاد بر آن بوده که استفاده این نقش بر روی هر شیئی به صاحب آن عمر طولانی عطا می‌کرده است (جلیلیان و احمد پناه، ۱۳۹۱: ۱۰) (تصویر ۶).



تصویر ۶. نقش ماهی در هم استفاده شده در متن فرش منطقه (نگارندگان)

۴.۳ انواع نقش مایه‌های انسانی

از جمله نقش مایه‌های موجود در دستبافته‌ها، نقوشی است که به اعضای بدن آدمی و گاه به بدن انسان اختصاص یافته است. همچنین گاه مشاهده می‌گردد که تمامی بدن نیز به صورت آدمک مجسم گردد ولیکن از آنجا که از جمله فراوان‌ترین نقش مایه‌های انسانی که دستبافته‌ها به وفور استفاده می‌شود نقش دست (پنجه) و چشم است، به این دو مورد پرداخته شده است.

۱.۴.۳ پنجه دست یا خمسه

نقش و پیکره‌ای از دست انسان که از مچ تا سر پنج انگشت است، خمسه نامیده می‌شود. این نقش، از جمله نقوشی است که سابقه دیرینه‌ای دارد، از تصاویر دست در غارها گرفته تا استفاده از این نقش در بین‌النهرین، این نقش اصولاً برای حفاظت از چشم بد استفاده می‌شده است (موسی‌پور ۱۳۹۱: ۱۵۵). به صورت کلی می‌توان گفت انسان‌ها برای عدد ۵ خاصیت جادویی و توان ویژه‌ای قائل بودند. همچنین در زندگی روزانه این شکل، ضد چشم بد، شر و افسون به حساب می‌آمد (تصویر ۷). عدد پنج و مضارب آن، در برخی از جوامع در میان مسلمانان نیز ضد چشم بد محسوب می‌شود (وسترمارک ۱۳۹۹: ۶۹-۷۰). در برخی جوامع

روی بسیاری از اشیاء برای محاظت از آن شیء نقش پنجه را بر گلیم و قالی و سفال و جز آن می‌کشیدند تا آنها را از آسیب دور سازند. با این وجود و سترماک اذعان دارد این مواردی که در گذشته حالت جادویی و چنین خصوصیتی داشته است، امروزه به صورت نقش تزئینی درآمده است (همان: ۷۴). پنجه دست که همان نقش دست انسان است در قالی‌های گل پنجه‌ای با تغییر در نقش با قالب گلدان درآمده و در قالی‌های جانمازی شکل دست است (جدول ۷)، در قالی‌های منطقه سیستان و بلوچستان مکرراً مشاهده می‌گردد (نعمت شهرابیکی ۱۳۹۳: ۱۳۲). این نقش گاه به عنوان تدابیری در برابر چشم زخم قلمداد می‌گردد. در برخی نواحی استان سیستان و بلوچستان برپایه سنت‌ها در برابر چشم بد، پنج انگشت دست را باز می‌کنند و می‌گویند: پنج در چشمانت. در اعصار کهن نیز «برای استفاده از انگشتان دست به منظور دفاع در برابر چشم‌زخم، ارزشی جادویی قائلند (وسترمارک، ۱۳۹۹، ۶۹). همچنین از آن، گاه به ید فاطمه/دست فاطمه با نام‌های «مخمسه، خمسه، خمسه» نیز یاد می‌شود (Mac culloch 1913,495). خمسه در نزد شیعیان بیانگر دست حضرت عباس است، که دلالتی جدید در سنت اسلامی است و اصولاً به شکل پنجه‌ای فلزی بالای علم‌ها مشاهده می‌گردد (موسی‌پور ۱۳۹۱: ۱۵۶). با این وجود با توجه به جایگاه پنجه در دستبافته‌ها و باورهای عشایر بلوچ، این نقش بیشتر به جهت دوری از چشم بد و چشم زخم استفاده شده است.



تصویر ۷. نقوش خمسه با کاربردهای تزئینی و تعویذی (وسترمارک ۱۳۹۹: ۷۱)

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۳۵


جدول ۷. نقش‌مایه دست در قالیچه‌های عشایر سیستان و بلوچستان (نگارندگان ۱۴۰۱)

معنا و مفهوم نقش	فرش گل پنجه‌ای	نقش‌مایه دست در فرش گل پنجه‌ای	شکل طلسمی	شماره
بیانگر دوری از چشم بد، چشم زخم، دست حضرت فاطمه و پنج اصل اساسی دین				
	فرش عشایر سیستان، مجموعه شخصی (نگارندگان)	(نگارندگان)	(تناولی، ۱۳۸۷: ۸۴)	

۲.۴.۳ چشم

چشم یا «چم» (Cham) در زبان بلوچی، از جمله نقش‌مایه‌های پرکاربرد در گلیم‌های استان سیستان و بلوچستان است (جدول ۷). هال (۱۳۸۳: ۲۳۸) اذعان دارد این نقش که برای درک بصری به کار می‌رود بیانگر درک عقلانی است و در جایگاه طلسم حافظتی کاربرد دارد. برخی معتقدند ترسیم نقش چشم، تأثیرات سوءچشم دیگران یا چشم‌زخم را خشی می‌کند. چشم در مناطق بسیاری به‌عنوان دورکننده بلا شناخته می‌شود. بروس میت فورد (۱۳۸۸: ۸۳)، می‌گوید طلسم به شکل چشم، نگاه‌های بد، چشم شیطان را که به دنبال اهداف بد است، منحرف می‌کند. در ایران نیز برای در امان ماندن از چشم بد دیگران، هرآنچه برایشان بارزش بوده یا کارهای خاص را از چشم افراد تنگ‌نظر به دور نگه می‌داشتند و چون اطمینان نداشتند که می‌توانند در این امر موفق شوند، آنچه برایشان مهم بود را با تعویذ و طلسم محافظت می‌کردند (ماسه ۱۳۵۷: ۶۳). در برخی مناطق تنها تصویر چشم انسان نبود که اهمیت داشت بلکه آنها گاهی با خشکاندن مردمک چشم گوسفندی که قربانی کرده بودند و استفاده از مهره در کنار آن و وصل کردن به لباس فرد وی را از آسیب در امان نگه می‌داشتند (نفیسی ۱۳۳۳: ۳۴-۳۵). بنابراین این عقاید باعث شده تا نقش‌مایه‌های متنوعی از چشم را بافندگان فرش‌های عشایری در دست‌بافته‌های منطقه استفاده کنند (جدول ۸).

جدول ۸. دو نمونه طرح چشم استفاده شده در گلیم منطقه (نگارندگان)

معنا و مفهوم نقش مایه	جزئیاتی از نقشمایه چشمک	تصویر نقش مایه در گلیم	شماره
چشم زخم و طلسم حفاظتی	 <p>گلیم منطقه سرحد (نگارندگان)</p>	 <p>گلیم منطقه سرحد (نگارندگان)</p>	۱۳


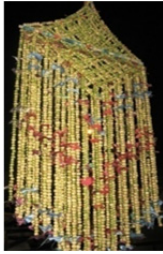
۵.۳ نقش مایه‌هایی برگرفته اجسام و اشیاء کاربردی

آخرین گروه از میان نقوش موجود، نقوشی است که بازتولید اشیاء روزمره است. از آنجا که این گروه در هیچ‌یک از قسمت‌های مذکور نمی‌گرفت به صورت مجزا به آن پرداخته شد. فراوان‌ترین نقش در میان نقوش برگرفته از اشیاء کاربردی، دودنی، گوشواره، شانه و بازوبند است، که به نقش و معنای آنها در دستبافته‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۵.۳ دودنی (doodni)

یکی از روش‌های دور کردن چشم‌زخم با اسفند، ساخت طلسم به کمک دانه‌های آن است. به کمک چند رشته نخ که از دانه‌های اسپند عبور داده می‌شود، بر حسب سلیقه، طلسم‌هایی درست می‌کنند و بر ورودی بسیاری از مکان‌ها آویزان کرده تا دورکننده بلا، چشم بد و بخشنده فراوانی و برکت باشد (ذکایی، ۱۳۴۷: ۳۱-۳۲). این شیء ساخته شده با دانه‌های اسپند را دودنی می‌گویند. دودنی‌ها در سیستان و بلوچستان اصولاً مثلثی شکل است که آویزهایی نیز دارد. دودنی را عموماً در آغل گوسفندان، اتاق‌های نشیمن، سردر خانه‌ها، در کشتزارها آویزان می‌کنند تا آفت و گزند را از احشام و غلات، خانه و اعضای خانواده دور کند. همچنین علاوه بر خاصیت دفع شر، برای جذب فراوانی و برکت و سلامتی نیز به کار می‌رود. این نقش که در میان مردمان این منطقه بسیار کاربرد دارد و به دلیل کاربرد زیاد و نقش مهم آن در چشم‌زخم، در دستبافته‌ها رایج شده است (جدول ۹).

جدول ۹. استفاده از نقش مایه دودنی در دستبافته‌های منطقه (نگارندگان)

معنا و مفهوم نقش مایه	شکل در دستبافته	شکل طلسمی	نقش
دفع نیروهای شر و جلوگیری از چشم‌زخم			دودنی
	فرش عشایر سیستان (نگارندگان)	(نگارندگان)	

۲.۵.۳ گوشواره

از جمله نقوشی که در زیر مجموعه اشیاء کاربردی و روزمره قرار می‌گیرد و در دست‌بافته‌های بلوچ استفاده می‌شود نقش گوشواره است. شکل قدیمی گوشواره در دستبافته‌های این قوم، مثلی است که از آن زنگوله‌های کوچکی آویزان است. در اکثر مناطق ایران، از جمله دست‌ساخته‌های فلزی که برای دور کردن شر و چشم‌بد استفاده می‌شود، زنگوله آویخته شده است. خطیبی‌زاده (۱۳۸۹: ۹۰) معتقد است این زنگوله‌ها به دلیل صدایی که ایجاد می‌کرده، ارواح بد را دور می‌کرده و اعتقاد بر آن بوده که در دفع چشم‌زخم نیز مؤثر است. لذا خلخال را نیز که از سوراخ‌های آن چیزهایی آویزان می‌کنند، جهت رفع چشم‌زخم می‌دانند. درویشی (۱۳۸۰: ۲۵) نیز اذعان دارد خلخال بیانگر بقایای همین کاربرد در مناطق جنوب است. با توجه به ارجاعاتی که شد و به دلیل آنکه گوشواره‌های مورد نظر نیز دارای آویزه‌هایی است که تولید صدا می‌کند، می‌توان گفت چنین کاربردی در زندگی مردم بلوچ داشته است. گوشواره با صدایی که ایجاد می‌کرده، ارواح بد را دور می‌کرده است. به‌علاوه در هدایای عروسی گاهی به نوعروسان گوشواره‌های قدیمی که جمک (Jamak)^۱ نام دارد هدیه می‌دهند (جدول ۱۰) و جایگاه ویژه‌ای برای مردمان آن نواحی دارد (مصاحبه با راضیه ریگی، بهار ۱۴۰۱، زاهدان). آنها بر این اعتقاد هستند که این گوشواره‌های قدیمی که به نوعروسان هدیه داده می‌شود برای جلوگیری از چشم‌زخم است. حضور این نقش در دستبافته‌ها با توجه به آنکه این شیء در

هدایای عروس بوده، احتمالاً بیانگر چشم‌زخم و جلوگیری از آسیب به وصلت وارد شده است. با توجه به این اعتقاد، این نقش توسط بافندگان در دستبافته‌های این منطقه بافته شده است (جدول ۱۰)



جدول ۹. نقش گوشواره بر دستبافته‌های عشایر سیستان و بلوچستان (نگارندگان)

معنا و مفهوم نقش مایه	شکل در دستبافته	شکل طلسمی	نقش
تمایل به ازدواج، دفع ارواح خبیث و نیروهای منفی			گوشواره
	جزئیاتی از فرش سیستان (نگارندگان)	(نگارندگان)	

۳.۵.۳ شانه

از دیگر نقوشی که کاربرد روزمره دارد، نقش شانه است. این نقش در دستبافته‌های این منطقه در میان اقوام مختلف به‌وفور دیده می‌شود. نقش شانه عموماً در رابطه با تولد و ازدواج به‌کار می‌رود. این نقش را برخی محققان حافظ تولد و ازدواج در مقابل چشم بد دانسته‌اند (بهارلو و چیت‌سازیان ۱۳۹۱: ۱۱). همچنین با توجه به آنکه نقش شانه از جمله اشیایی است که برای آرایش عروس و آماده شدن وی کاربرد دارد، حضور این نقش در دستبافته‌ها می‌تواند بیانگر ازدواج و به نوعی بخت‌گشایی نیز باشد (جدول ۱۱).





جدول ۱۰. نقش شانه در دستبافته (نگارندگان)

معنا و مفهوم نقش مایه	شکل در دستبافته	شکل طلسمی	نقش
تمایل به ازدواج، دوری چشم بد از ازدواج و فرزندآوری			شانه
	خورجین، منطقه سرحد (نگارندگان)	(نگارندگان)	

۴.۵.۳ بازوبند

این نقش را اصولاً در سراسر قالی استفاده می‌کرده‌اند و به آن بازوبندی می‌گفتند (جدول ۱۲). نقش بازوبند همان طور که از نام آن مشخص است برگرفته از شی‌ای است که به بازو بسته می‌شود. گستردگی آن در میان مردان بسیار زیاد بوده و برای ازدیاد و افزایش قدرت از آن استفاده می‌شود. نقوش متنوعی با توجه به کاربرد بر روی آن منقش می‌شده که معروف‌ترین و پرکاربردترین بازوبندها دارای نقش شیر والشمس بوده و عموماً علاوه بر پهلوانان، رمالان، اشخاصی که به دنبال دریافت قدرت بیشتری بودند به بستن چنین بازوبندی تشویق می‌کردند (تناولی: ۱۳۸۷: ۷۱).

جدول ۱۲. نقش بازوبند بر دستبافته‌های عشایر سیستان و بلوچستان (نگارندگان)

معانی و مفهوم نقش مایه	قالیچه بازوبندی	نقش مایه بافته شده در فرش	شکل طلسمی	شکل واقعی	نقش مایه
افزایش قدرت، جلوگیری از چشم‌زخم					بازوبند
	(حضوری: ۱۳۷۱: ۱۴۵)	(حضوری: ۱۳۷۱: ۱۴۵)	(تناولی: ۱۳۸۷: ۷۰)		

بازوبند علاوه بر آنکه بیانگر قدرت بوده، استفاده از بسیاری اشیای فلزی چون سکه، بازوبند، گوشواره را نیز بیانگر دفع شر دانسته‌اند. به نظر می‌رسد به دلیل قداستی که فلز در اساطیر داشته و شاید به دلیل جنس آن که مستحکم است، دست‌ساخته‌های فلزی در تعویذ و طلسم کاربرد بسیار دارد. قزوینی (۱۳۶۱: ۱۹۲) نیز اشاره می‌کند که افزایش قدرت باعث آن می‌شود شخص از چیزی نترسد، لذا کاربرد این اشیاء در این زمینه گسترده می‌گردد. می‌توان گفت با توجه به آنکه بسیاری از تعویذ نیز در میان این قوم به بازو بسته می‌شود و با توجه به نقش و جایگاه فلز، این نقش مایه در دستبافته‌ها بیش از آنکه بیانگر قدرت باشد، به دفع شر و چشم‌زخم اشاره دارد.

جدول ۱۱. انواع نقوش و معنا و مفهوم آنها در دستبافته‌ها (نگارندگان)

نام نقش‌مايه	معناي نمادين نقوش
۱	باروری و حاصلخیزی و دفع نیروهای شر
	دور کننده ارواح خبیثه و چشم بد و پیروزی
۲	برای دوری از نیروهای شر و چشم زخم
۳	برکت، باروری، زایش و باران‌خواهی و عمر زیاد
	باروری، برکت
۴	چشم زخم و طلسم حفاظتی
	بیانگر دوری از چشم بد، چشم زخم، دست حضرت فاطمه و حضرت عباس
۵	دفع نیروهای شر و جلوگیری از چشم‌زخم
	تمایل به ازدواج، دوری چشم بد از ازدواج و فرزندآوری
	تمایل به ازدواج، دفع ارواح خبیث و نیروهای منفی
	افزایش قدرت، جلوگیری از چشم‌زخم

با توجه به جدول ۱۳ می‌توان گفت باور به نیروهای ماوراءالطبیعی و اسطوره‌ای قوم بلوچ همچنان بر دستبافته‌های آنان مشاهده می‌شود. در بین معانی نمادین نقوش، فراوانی مفهوم چشم زخم بیش از دیگر مفاهیم است. وسترمارک نیز به این موضوع اشاره می‌کند که گسترده‌ترین باور در جهان، باور به چشم بد و جن است (وسترمارک ۱۳۹۹، ۶۵). چشم زخم فقط مربوط به اقوام خاص یا زمان و مکان خاصی نیست، چه قبل و چه بعد از اسلام رواج داشته است. در کلام اسلامی نیز، سحر و جادوی سیاه را نهی کرده ولیکن در برابر تعاویذ تسامح نشان داده است (روسکا و دیگران ۱۳۸۷: ۵۹). از آنجا که هر لحظه امکان گزند از نظر دیگری وجود دارد، برخی اقوام مانند، قوم عشایر بلوچ در دستبافته‌ها که از جمله کاربردی‌ترین هنرهای صناعی است، بر فرش و گلیم پهن شده در خانه این اشکال را بافته تا از این گزند درامان باشند.

۴. نتیجه‌گیری

دست‌بافته‌ها از جمله تولیدات بومی عشایر بلوچ است که قدمت دیرینه‌ای دارد. بررسی دست‌بافته‌های عشایر بلوچ نشانگر آن است که اعتقادات و باورهای این قوم را می‌توان در دست‌بافته‌های آنها مشاهده کرد. این دستبافته‌ها علاوه بر آنکه به عنوان یک شیء، در زندگی

روزمره کاربرد داشته‌اند، منقش به اشکالی شده‌اند که بیانگر معانی عمیق و پر رمز و راز هستند. استفاده از این اشکال بر روی دستبافته‌ها بیش از آنکه مایه‌ی تزئین دستبافته‌ها باشد، هویت آن اثر را شکل داده است. زیرا در این پژوهش نشان داده شد، نقوش روی این دستبافته‌ها بیانگر آرزوها، باورها، اندیشه و تفکرات آن قوم است که گاه حالت طلسم و تعویذ پیدا می‌کند. استفاده از نقوش طلسم‌گون در دستبافته‌ها بیانگر جایگاه این باور و اندیشه در میان این قوم و رابطه‌ای است که باورهای آن منطقه و نقوش موجود دارد.

قوم بلوچ از جمله اقوامی است که به دلیل زندگی در شرایط سخت و محیط بیابانی و بلاهای بسیاری که در آن منطقه وجود دارد برای غلبه بر سختی و مشقات زندگی دست به دامان نیروهای ماورائی شده است و بدین منظور نه تنها اشیاء و اشکالی خلق کرده که حافظ آنان در برابر این بلاها باشد بلکه از این اشکال بر تولیدات بومی و روزمره چون دستبافته‌ها نیز استفاده کرده؛ زیرا معنا و قدرتی نمادین برای آنها در نظر گرفته است. با ارجاع به نقوش استفاده شده در دستبافته‌ها می‌توان گفت باورهای ماوراءالطبیعی و اساطیری که بیانگر باروری، دوری از گزند نیروهای شر و چشم بد است از جمله مضامین موجود بر دستبافته‌ها است. به نظر می‌رسد با توجه به فراوانی مفهوم و مضمون چشم زخم، آنچه بیش از دیگر نقوش در میان این قوم باقیمانده است، نقوشی است که به چنین مفهومی ارجاع می‌دهد. از گذشته تاکنون چشم بد و نیروهای شر، بیش از دیگر عوامل، عامل مخرب و نابودکننده بوده و به نوعی نگاه و نظر انسان را عامل گزند بیشتر بلاها دانسته‌اند. در پژوهش مذکور نیز نشان داده شد رابطه‌ای تنگاتنگ میان این باورها و نقوش رایج در دستبافته‌ها وجود دارد.

پی‌نوشت

۱. گوشواره‌هایی به شکل جمجمه انسان را جم یا جَمک می‌نامند.

شیوه‌ی ارجاع به این مقاله

عرفان منش، ساحل، نعمت شهربابکی، ابوالقاسم & عزیزی، حسن. (۱۴۰۲). بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دستبافته‌های عشایر بلوچ. *تحقیقات تاریخی اجتماعی*، (۱) ۱۳؛

doi: 10.30465/shc.2023.43289.2431

کتابنامه

- اسفندیاری، صبا (۱۳۸۴)، *جلوه‌گری نقوش در هنرهای سنتی ایران*، مشهد: نور حکمت.
- بروس میت فورد، میراندا (۱۳۸۸)، *فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان*، ترجمه ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، تهران: شادرنگ
- بهارلو، علیرضا، چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۹۱)، *نقش‌مایه‌ها و مفاهیم مرگ و حیات در بستر بافته‌های ترکی آناتولی*، کتاب ماه هنر، ش ۱۶۶.
- بویس، مری (۱۳۷۷)، *چکیده تاریخ زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: نشر صفی‌علیشاه.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵)، *هنر و فرهنگ قوم بلوچ*، فصلنامه هنر، ش ۱۰.
- پرهام، سیروس (۱۳۷۸)، *جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایران*، نشر دانش، س ۱۶، ش ۱.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۷)، *طلسم گرافیک سنتی ایران*، تهران: بن‌گاه.
- جلیلیان، نعیمه، احمدپناه، سید ابوتراب (۱۳۹۱)، *تأثیر باورهای دینی واسطوره‌ای بر فرش‌های روستایی باف همدان*، دو فصلنامه علمی - پژوهشی گلجام، س ۸، ش ۲۲.
- جهازی، ناهید و آتشی، منوچهر (۱۳۸۱)، *افسانه‌های جنوب (بوشهر)*، تهران: مدبر.
- حضور، علی (۱۳۷۱)، *فرش سیستان*، تهران: فرهنگان.
- حضور، علی (۱۳۸۱)، *مبانی طراحی سنتی در ایران*، نشر چشمه: تهران.
- خطیبی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، *پوشش مردم هرمزگان*، شیراز: ایلاف.
- خضایی، وحید و مرآتی، محسن (۱۳۹۰)، *بررسی و تطبیق گرایش به انتزاع در نقوش سفالینه‌های ایران باستان و شیوه آپ‌آرت*، نگره، س ۶، ش ۱۷.
- خوارزمی، حمیدرضا و توکلی، حسین‌الله (۱۳۹۶)، *طلسم و طلسم‌شکنی در فرهنگ جبال‌بارز جیرفت*، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۵، ش ۱۶.
- درویشی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *دایره‌المعارف سازه‌های ایرانی*، جلد ۱، تهران: نشر ماهور.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱)، *دانشنامه ایران باستان: عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی*، جلد دوم، تهران: نشر سخن.
- روسکا، جی؛ کارا، ڈ وو، بی؛ بوسورث، ا (۱۳۸۷)، *مقاله طلسم در فرهنگ عربی و اسلام در دوازده+یک*، سیزده پژوهش درباره طلسم، تعویذ و جادو، ترجمه ابراهیم موسی‌پور، تهران: نشر کتاب مرجع.
- ریگی، بلال (۱۳۹۹)، *گردآوری و توصیف فرهنگ عامه مردم میرجاوه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ایرانشهر: گروه زبان و ادبیات فارسی.
- رئسی، محمدریاض (۱۴۰۱)، *توتم سیه‌مار و تحلیل روان‌کاوانه آن در فرهنگ عامه و ادبیات بلوچی*، *دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۱۰، ش ۴۵.

بازنمایی باورهای ماوراءالطبیعی در دست‌بافته‌های ... (ساحل عرفان‌منش و دیگران) ۲۴۳

سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۶)، گزارش‌های شهر سوخته ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

سید سجادی، سید منصور (۱۳۸۸)، بلوچستان باستان، زاهدان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.

شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۸)، شهر سوخته، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.

شیرانی، راضیه (۱۳۸۸)، رویکردی نمادین و تصویری به طلسم‌های ایرانی، دو فصلنامه نقش مایه، س ۲، ش ۳.

صابری افتخاری، عارفه (۱۳۹۲)، باور به وجود نیروی طبیعی در اشیاء در فرهنگ عامه مردم ایران (فتیشیزم - شیء‌باوری)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی انسان‌شناسی (نامه انسان‌شناسی)، س ۱۰، ش ۱۷.

فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۶)، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر آگاه.

قروینی، زکریا محمد (۱۳۶۱)، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، تهران: نشر کتابخانه مرکزی

ماسه، هنری (۱۳۵۷)، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز: دانشگاه تبریز.

موسوی حاجی، سید رسول، پیری، علی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی نقوش قالی سیستان با سفال‌های نخودی شهر سوخته، دو فصلنامه علمی - پژوهشی گلجام، س ۵، ش ۱۳.

موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۱)، دانشنامه جهان اسلام، به سرپرستی غلامعلی حداد عادل، ذیل مدخل «خمسه»، جلد ۱۶، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

نفیسی، سعید (۱۳۳۳)، چهارشنبه‌سوری، سالنامه کشور ایران، تهران، سال نهم.

نعمت شهربابکی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، بررسی طلسم و تعویذ و تأثیر آن در نقش مایه‌های فرش‌های سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کاشان: گروه فرش.

وسترمارک، ادوارد (۱۳۹۹)، بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی، ترجمه و تعلیقات علی بلوکباشی، چاپ دوم، تهران: فرهنگ جاوید.

هال، جیمز (۱۳۸۳)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

یعقوب زاده، آزاده (۱۳۹۲)، نقش مایه طلسم محافظ بر فرش ترکمن، کتاب ماه هنر، ش ۱۸۴.

یعقوب‌زاده، آزاده و خزائی، محمد (۱۳۹۸)، نقش مایه‌های طلسم و تعویذ و حرز (مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری)، هنر و تمدن شرق، س ۷، ش ۲۶.

لعل‌بی‌بی (۱۴۰۱)، رسومات ازدواج و انواع تائیت در منطقه سراوان (مصاحبه منتشر نشده)، سراوان، آسیبچ.

ریگی، راضیه (۱۴۰۱)، رسوم ازدواج و انواع چشم زخم در خصوص مراسم ازدواج (مصاحبه منتشر نشده)، زاهدان.

۲۴۴ تحقیقات تاریخی اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

شفیقی، سمیه (۱۴۰۱)، انواع طلسم و تعویذ در خصوص صیانت از نوزاد (مصاحبه منتشر نشده)، زابل، هیرمند.

Elliad, M& Adams, CH (1987), Encyclopadia of religion. Mc Millan(vol.14), New York: Extramar
University of Alberta Libraries.

Fokker, Nicolas (1973), ' ' Persian And Other Oriental Carpet For Today' ' , London: G.Allen and
Unwin.

Mac culloch. J.A, 1913, In Hastings, Encyclopedia of Religion and Ethics, VI.

Henning. W. B (1891) R A Grain of Mstard, c.Ir, Vol. XV.

Reichelt.h(1911), Avesta Reader, strassborg.

Stinson, S.L.2006. Hunan Figurines, in: Homer, T., Jonathan and B., Mabry (eds.), desert archaeology,
the Rio Nuevo Archaeology, 2000-2003, Technical Report Inc, Tucson, Arizona.